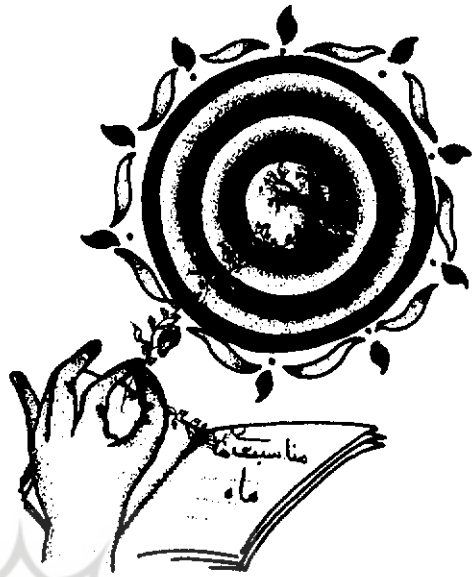




# رایت

## دانش‌ها



### به مناسبت ولادت امام محمد باقر علیه السلام

#### ● عباس کوثری

#### از تبار نور

دیگر بار چشمه سار کوثر محمد صلی الله علیه و آله در جویباران فضیلت و عفاف به یکدیگر رسیدند تا مرجان‌های معرفت و مرواریدهای درخشان امامت را به چشمان منتظر و دل‌های آرزومند هدیه کنند. امام حسین علیه السلام جشنی شکوهمند و معنوی را تدارک دیده تا شاهد پیوند زیبا و مقدس فاطمه دختر برادرش امام مجتبی علیه السلام و زیباترین روح پرستنده؛ یعنی، فرزندش علی باشد.

خدایا، این نام‌ها چقدر برای اهل بیت

عصمت زیبا و خاطره آفرین است! فاطمه همنام مامشان زهرا علیها السلام که همواره خاطره‌های مهر و عفاف و عصمت را در یادها زنده می‌کند و نام علی همان که سجاد آل محمد علیهم السلام فرمود از شدت علاقه‌ای که پدرم به امام علی علیه السلام داشت همواره برای فرزندانش نام علی را بر می‌گزید.<sup>۷</sup>

حریف مجلس ما خود همیشه دل می‌برد

علی الخصوص که پیرایه‌ای بر او بستند  
و این خود فرهنگی زیبا و عشقی متعالی  
بود که همچنان خاندان فاطمه علیها السلام با آن  
زندگی می‌کردند و با نسیم و عطر دل انگیز



این نام، خود را شادابی و معنویت می‌بخشیدند که حدیث فاطمیات نیز جلوه‌ای از همین فرهنگ و عظمت را فراراه دیدگان قرار می‌دهد. پنج نفر از راویان حدیث به نام فاطمه است که هر یک از عمه‌های خویش آن را روایت می‌کنند. فاطمه دختر امام موسی ابن جعفر علیه السلام از فاطمه دختر امام صادق علیه السلام از فاطمه دختر امام باقر علیه السلام از فاطمه دختر امام حسین علیه السلام و او از ام‌کلثوم دختر فاطمه‌ی زهرا علیه السلام و او از مادرش فاطمه‌ی زهرا علیه السلام که فرمود: «ایا فراموش نمودید سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را در روز غدیر خم که فرمود: هر کس من مولای اویم علی مولای اوست.»<sup>۸</sup>

این چنین است که می‌بینیم نسل کوثر خود را همیشه با این نام در امتدادی نورانی تجلی می‌داده است و این براساس همان فلسفه‌ای بود که سبط اکبر، امام مجتبی، و امام حسین علیه السلام بنا نهاده بودند و جلوه و بنیاد اصیل آن را در همین نام‌گذاری این زوج مشاهده می‌کنیم. فاطمه دختر امام مجتبی و علی فرزند امام حسین علیه السلام. فاطمه فرزند امام مجتبی علیه السلام خود دریایی از کرامت و عفاف است به گونه‌ای که امام صادق علیه السلام درباره‌اش می‌فرماید:

«كانت صديقةً لم تُذرك في آل الحسن

امِراً مثلهَا؛ او بسیار راستگو بود که در خاندان امام مجتبی هیچ زنی به همتایی او نمی‌رسید.»<sup>۹</sup> او در سایه سار نخل بالنده‌ی امامت به مقامی رسیده که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«روزی مادرم در زیر دیواری نشسته بود که ناگاه صدایی از دیوار برخاست و از جا کنده شد. در حال فرود آمدن بود که مادرم با دست خود به دیوار اشاره نمود و فرمود: «لا وَ حَقِّ المصطفىٰ ما أذن الله لك في السقوط فتبقي معلقاً في الجو؛ سوگند به حق مصطفی تو نباید فرود آیی که حق تعالی تو را به افتادن رخصت نمی‌دهد پس آن دیوار در فضا معلق باقی ماند. تا مادرم از آن جا بگذشت.»<sup>۱۰</sup>

این چنین است که فضیلت مادری پنجمین امام معصوم را دارا می‌گردد و به سال ۵۷ (پنجاه و هفت) هجری قمری دامزش گل وجودی باقر العلوم علیه السلام را متجلی می‌سازد و در هاله‌ای از نور و عظمت قرار می‌گیرد.

نوه‌ی امام علی ابن ابی‌طالب علیه السلام، دختر امام حسن، عروس عمویش امام حسین، همسر امام زین العابدین، و مادر امام محمد باقر علیه السلام عظمت و نوری که فقط بیانگر آن این کلام الهی است که فرمود: «فتبارك الله احسن الخالقين»<sup>۱۱</sup>

درخشش این معنویت همچنان رو به فزونی داشت تا در همراهی امام حسین و شرکت در نهضت خونین ابی‌عبدالله علیه‌السلام در کنار امام زین‌العابدین علیه‌السلام به اوج خویش رسید و نورانیت او «بدر» تمام و کمال تام و تمام یافت. داغ شهادت سید الشهداء و خاندان وحی از آن جمله برادرش قاسم ابن الحسن او را مرتبتی بزرگ بخشید و با محافظت از جان فرزندش امام باقر علیه‌السلام که بیش از چهار سال نداشت حق بزرگ خویش را بر امت اسلامی و دیگر ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام جلوه‌ای دیگر بخشید.

### «باقر آل محمد علیهم‌السلام»

نشانه‌های صدق بشارت پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ظهور یافته و لحظه‌های دیدار جابر با امام باقر علیه‌السلام نزدیک شده او مشتاق است تا شاهد اعجاز عینی و خارجی سوره‌ی کوثر باشد زیرا پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از پیش به جابر ابن عبدالله انصاری بشارت داده بود که تو زنده میمانی و فرزندی از من را ملاقات خواهی نمود که همنام من است و سیمایش همانند سیمای من و به صورتی عمیق و شگفت علم را می‌شکافد و از او خواسته بود که سلامش را به او برساند. لحظه‌ی موعود فرا می‌رسد. در یکی از کویچه‌های مدینه به او برخورد می‌کند. در او به دقت می‌نگرد و می‌گوید: «این همان

سیمای رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.» بر سرش بوسه می‌زند و می‌گوید: «پدر و مادرم فدایت، جدت رسول گرامی اسلام به تو سلام رسانده است.»

حضرت یاسخ می‌دهد که بر رسول گرامی اسلام سلام باد. پس از آن بود که جابر به دیدار حضرت می‌شتافت و شاید رمز و راز بعضی از اختلافاتی که در روایات مرتبط با آن دیده می‌شود، به خاطر همین دیدارهای مختلف است.

سلیمان ابن ابراهیم قندوزی از دانشمندان اهل سنت در کتاب خود «ینایع الموده» فصلی را در بیان نام‌های ائمه‌ی دوازده‌گانه گشته و در آن روایاتی را نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلام اوصیای خویش را از امام علی علیه‌السلام تا حضرت مهدی علیه‌السلام نام برده و از امام پنجم با لقب باقر یاد می‌کند و می‌فرماید: «فاذا انقضت مدّة الحسین فالامام ابنه علی و یلقّب بزین العابدین فبعده ابنه یلقّب بالباقر.»<sup>۱۲</sup> زندگی آن حضرت بحق درخشش لقب باقر العلوم بود که رسول خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با دید الهی و غیبی خویش از پیش اعلام داشته بود. او چشمه‌سار حکمت و دانشی بود که خداوند متعال آن را در خاندان رسالت به ودیعت نهاده بود چنان که آن حضرت به سلمة ابن کهیل و حکم ابن عتیبه از فقهای



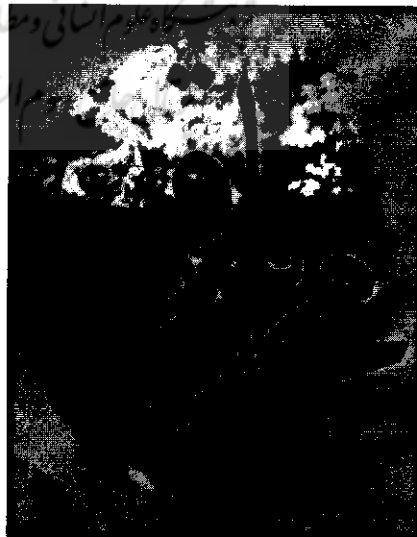


اهل سنت فرمود: «شَرِّقَا وَ غَرِّبَا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا؛ به شرق و غرب بروید ولی دانشی صحیح نخواهید یافت، مگر آنچه از سوی ما صادر شده باشد.»<sup>۱۳</sup> و می فرمود: «اگر حدیثی را برای شما بیان کردم، از شاهد و مدرک قرآنی آن از من بپرسید. سپس حضرت فرمود: «خداوند از قیل و قال (پیرگوئی) و نابودی مال و سؤال نمودن زیاد نهی نموده است، حاضران گفتند: ای فرزند رسول خدا! مدرک قرآنی این مطلب چیست، حضرت فرمود: <sup>۱۴</sup> آن جا که خداوند می فرماید: در بسیاری از سخنان در گوشه (و جلسات محرمانه) آن ها خیر و سودی نیست.»<sup>۱۵</sup> و نیز فرمود: «اموال خود را که خداوند و سیله ی قوام زندگی شما قرار داده به دست

سفیهان نسپارید»<sup>۱۶</sup> و در آن آیه که می فرماید: از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می کند.»<sup>۱۷</sup> محمد ابن مسلم می گوید: «در هر یک از مسائل علمی که برابیم مشکلی پیش می آمد، از امام محمد باقر علیه السلام سؤال می کردم تا آن که سی هزار حدیث از آن حضرت و شانزده هزار حدیث از امام صادق علیه السلام سؤال نمودم.»<sup>۱۸</sup>

حبابه ی والبیّه (از زنان پرهیزکار و دانای به مسائل حلال و حرام)<sup>۱۹</sup> منظره ی شکوهمندی و جلوه ی عظیم علمی امام را این چنین بیان می دارد: «مردی را دیدم به هنگام عصر نزدیک غروب در مکان ملتزم یا ما بین در خانه ی کعبه و حجر دست به دعا برداشته و چون مردم بسویش شتافتند و مشکلات علمی خویش را با او در میان گذاشتند، با آن زمان اندک از جای برخاست تا این که در هزار مسأله به آنان پاسخ گفت. سپس بسوی منزلگاه خویش حرکت نمود. در این زمان کسی با صدای بلند ندا کرد که بدانید اینست نور روشن و درخشان و نسیم خوشبو و حقی که قدرش در میان مردم ناشناخته مانده است.

عده ای گفتند: این فرد کیست، در پاسخ بدانان گفته شد: «محمد ابن علی الباقر علم العلم و الناطق عن الفهم؛ او محمد ابن علی



شکافنده‌ی دانش، نشانه و پرچم علم و گوینده‌ی سخن از روی آگاهی و فهم است.»<sup>۲۰</sup>

ممکن است این سؤال مطرح شود که در آن زمان کم چگونه حضرت به هزار سؤال پاسخ دادند؟ لا اقل اگر برای هر جواب نیم دقیقه زمان را در نظر بگیریم، زمانی طولانی خواهد شد که آن وقت تناسب با آن ننخواهد داشت.

در پاسخ می‌توان گفت: اگر فرض کنیم، جواب سؤالات صحیح بودن و باطل بودن یا بلد و خیر باشد از جهت تناسب زمان مشکلی نخواهد داشت.

ثانیاً ممکن است تعبیر به هزار سؤال نشانه‌ی کثرت و زیادی سؤال‌ها بوده باشد نه این که دقیقاً هزار سؤال باشد علاوه بر این ممکن است، افراد زیادی سؤالات مشترک داشته‌اند و زمانی که سؤال یک فرد پاسخ داده می‌شد، دیگران نیز جواب خود را دریافت می‌داشته‌اند و بدین جهت تعبیر به پاسخگویی به هزار سؤال شده است.

### امام باقر علیه السلام از نگاه دانشمندان اهل سنت

○ ابن حجر هئیمی از متعصبان اهل سنت درباره امام باقر علیه السلام می‌نویسد:

«ابو جعفر محمد الباقر سَمِي بِذَلِكَ مِنْ بَقَرِ الْأَرْضِ أَيْ شَقَّهَا وَ آثَارَ مُخْبِتَاتِهَا وَ

مَكَامِنَهَا فَلِذَلِكَ هُوَ أَظْهَرَ مِنْ مُخْبِتَاتِ كُنُوزِ الْمَعَارِفِ وَ حَقَائِقِ الْأَحْكَامِ مَا لَا يَخْفَى إِلَّا عَلَى مُنْطَمِسِ الْبَصِيرَةِ أَوْ فَاسِدِ الطَّوِيَةِ وَ مِنْ ثَمَّ قِيلَ فِيهِ هُوَ بَاقِرُ الْعِلْمِ وَ جَامِعُهُ وَ شَاهِدُ عِلْمِهِ وَ رَافِعُهُ؛ لِقَبْلِ بَاقِرٍ لِابْنِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ بَاقِرٍ بَرَّكَرْتَهُ مِنْ شِكَاظِ زَمِينٍ وَ بِيْرُونَ أَوْ رَدْنَ كَنْجِ هَيَّائِ بِنَهَانِ أَنْ اسْتِ، بَدِينِ جِهْتِ كِهْ أَوْ مِنْ كَنْجِ هَيَّائِ بِنَهَانِ مَعَارِفِ وَ حَقَائِقِ أَحْكَامِ أَنْ قَدْرَ أَشْكَارِ سَاخْتِ كِهْ جِزْ بِرِ أَفْرَادِ بِيْ بَصِيرَتِ وَ دَلِّ هَيَّائِ نَآيَاكِ پُوشِيْدِهْ نِيْسْتِ وَ مِنْ اَزْ اَيْنِ جَاسْتِ كِهْ وَ يِ رَا شِكَاْفَنْدِهْ وَ جَامِعِ دَانِشِ وَ نَشْرِ دِهَنْدِهْ وَ بِرِ أَفْرَاژَنْدِهْ يِ عِلْمِ خُوْيِشِ نَامِيْدِهْ اَنْدِ.

وی سپس به شخصیت امام در بعد عرفان اشاره می‌کند و می‌گوید:

«و لَهْ مِنْ الرِّسُوخِ فِي مَقَامَاتِ الْعَارِفِينَ مَا يَكُلُّ عَنْهُ أَلْسِنَةُ الْوَاصِفِينَ وَ لَهُ كَلِمَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي السَّلُوكِ وَ الْمَعَارِفِ لَا تَحْتَمِلُهَا هَذِهِ الْعَجَالَةُ؛ وَ لِأَيِّ أَوْازِ اسْتَوَارِي وَ ثَبَاتِ فِي مَرَاحِلِ سَلُوكِ عِرْفَانِي مَنْزِلَتِي اسْتِ كِهْ وَ صِفِ كَنْدِگَانِ اَزْ بِيَانِ اَنْ عَاجِزَنْدِ وَ دَرِ زَمِيْنِدِي اَيْنِ سَلُوكِ وَ مَعَارِفِ دَارَايِ كَلِمَاتِ فِرَاوَانِي اسْتِ كِهْ فِرْصَتِ، مَجَالِ طِرْحِ اَنْ رَا نَمِي دِهْد.»<sup>۲۱</sup>

○ عبدالله عطاء مکی از دانشمندان عصر امام می‌گوید: «هیچ‌گاه دانشمندان را از نظر علمی بدان سان که نزد امام محمد باقر علیه السلام





بودند کوچک و حقیر نیافتیم. دیدم حکم ابن عثیمه را با همه‌ی زیادی علم و منزلتی که در نزد مردم داشت، در مقابل آن حضرت همانند کودکی بود که در مقابل معلم خویش نشسته باشد.»<sup>۲۲</sup>

○ «جاحظ» دیگر دانشمند برجسته‌ی اهل سنت آفاق زیبا و بلندای کلام حکیمانه‌ی امام باقر علیه السلام را این گونه ترسیم می‌کند: «قد جمع محمد ابن علی ابن الحسین علیه السلام صلاح حال الدنیا بحذاقیرها فی کلمتین فقال: 'صلاح جمیع المعایش و التعاشر ملاً مکیال: ثلثان فسطنة و ثلثه تغافل؛ محمد ابن علی ابن الحسین مصلحت تمامی زندگی دنیا را در دو کلمه جمع نموده و فرموده است: 'صلاح همه‌ی زندگی‌ها و روابط و معاشرت «با دیگران» در پر نمودن پیمانده‌ی است که دو سوّم آن

هوش و فراست و زیرکی و یک سوّم آن تغافل (و خود را به غفلت زدن در بعضی از امور) است.»<sup>۲۳</sup>

○ قتاده فقیه بصره به امام باقر علیه السلام گفت: «بخدا سوگند من در نزد فقیهان و ابن عباس نشسته‌ام اما اضطرابی که در نزد شما دارم، در نزد هیچ یک از آنان نداشته‌ام.

فقال له ابو جعفر علیه السلام أتدري این أنت، انت بین یدی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ...!

فرمود: آیا می‌دانی که در کدامین مکان قرار گرفته‌ای؟ تو اکنون در مقابل خانه‌هایی هستی که خداوند به رفعت و بلند مرتبه‌ی آن رخصت داده است و نام خدا در آن برده می‌شود و صبح و شام خدای را در آن خانه‌ها تسبیح می‌کنند و آنان مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش آنان را از یاد خدا و



اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد.  
تو در این گونه مکانی و ما دارای این  
خانه‌ها»<sup>۲۴</sup>

نظیر همین سؤال را عکرمه دیگر  
دانشمند اهل سنت از امام علیه السلام نمود و  
پاسخی نظیر پاسخ قتاده دریافت داشت.<sup>۲۵</sup>  
○ **فخر رازی** از علمای اهل سنت در  
تفسیر خود در بیان نظرهای مختلف راجع  
به معنای کوثر می‌نویسد:

«سومین نظر در معنای کوثر این است که  
منظور از آن، فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله  
است و این به آن جهت است که این سوره در  
ردّ کسانی نازل شده است که از آن حضرت  
به خاطر نداشتن فرزند عیبجویی می‌کردند  
که در این صورت معنای آن این است که  
خداوند تو را فرزندان و نسلی عطا می‌کند که  
در طول تاریخ برقرار خواهند ماند. سپس  
می‌گوید: «ببین که چقدر انسان‌ها از اهل  
بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت رسیده‌اند اما  
جهان همچنان شاهد رونق فزاینده‌ی آنان  
است. آن گاه بنگر که چه تعداد از بزرگان  
اندیشمند مانند امام باقر، امام صادق، امام  
کاظم، امام رضا علیهم السلام و محمد نفس زکیه در  
میان آن‌ها جلوه‌گر شده است.»<sup>۲۶</sup>

### چرا او؟

مطلبی که لازم است بدان بپردازیم، این  
است که چگونه امام پنجم علیه السلام به باقر لقب

یافت با این که همه‌ی معصومین  
شکافنده‌ی دانش و علم بوده‌اند؟  
برای بررسی و تحلیل آن لازم است که به  
موقعیت و زمان ویژه‌ی امام باقر علیه السلام توجه  
نمائیم.

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله حوادث تلخ و  
ناگواری برای جهان اسلام و اهل بیت علیهم السلام  
پیش آمد که موجب شد امام علی علیه السلام به  
مدت بیست و پنج سال خانه نشین گردد و  
مردم نتوانند از دانش آن امام بهره‌ی لازم را  
ببرند. در دوره‌ی پنج ساله‌ی حکومت آن  
حضرت ناکثان (عهدشکنان)، قاسطین  
(معاویه و اصحاب او) و مارقین (خوارج  
نهروان) نیز با جنگ‌های خود فرصت تعلیم  
گسترده را از آن امام سلب نمودند.

امام مجتبی علیه السلام نیز پس از دوره‌ی  
حکومت کوتاه خود، همین مشکلات و  
تنگناها را داشته و خفقان حاکم اموی  
و تبلیغات مسموم آنان راه‌های روی آوری  
مردم بسوی آن حضرت را سد نموده بود.  
این خفقان در دوران امام حسین علیه السلام به اوج  
خویش رسید. به طوری که هر گونه امکان  
تبلیغ و بیان فروعات احکام را از ابی  
عبدالله علیه السلام سلب نمودند.

اگر روایات فقهی را مورد مطالعه و دقت  
قرار دهیم مشاهده می‌کنیم که روایات امام  
حسین علیه السلام در این زمینه اندک است، تازه





همان روایات نیز از طریق فرزندان معصومش علیهم السلام به ما رسیده است.

این خفقان در کربلا به اوج خود رسید و پس از شهادت آن حضرت تا پایان عمر امام زین العابدین علیه السلام نیز سایه سنگین و شوم استبداد بر امت اسلامی گسترده بود اما در زمان امام باقر علیه السلام وضعیت به گونه‌ای دیگر شده بود. از یک سو فرقه‌های مختلف و مکتب‌های گوناگون سؤالات زیادی را در ذهن‌ها پدیدار ساخته بود که جواب و تحقیق درباره‌ی آن را دنبال می‌کردند که مناظرات امام علیه السلام گواه آن است و از سوی دیگر مظلومیت اهل بیت علیهم السلام برای جامعه‌ی اسلامی به صورت روشن‌تری پدیدار شده بود و موجب توجه و جذب دل‌های مستعد بسوی آن بزرگواران شده بود و این در حالی بود که ضعف حکومت اموی و قیام‌های مختلفی که در مملکت اسلامی علیه آنان انجام می‌گرفت فرصت پرداختن و ایجاد حساسیت نسبت به اهل بیت را از آنان گرفته بود.

در این زمان بود که امام باقر علیه السلام در صحنه‌ی علمی ظهور یافت و علوم دینی و الهی را فراراه حق جویان قرارداد و با تبیین درست و اصیل دیدگاه دین، جلوه‌ی زیبایی از دانش و آگاهی و معرفت را ترسیم نمود و انسان‌های دور افتاده از ساحل را به آب‌های

زالال حقیقت رهنمون شد. او بار دیگر اعجاز علمی نسل کوثر را متجلی ساخت و گل‌واژه‌های علم و آگاهی را از بوستان قرآن و سنت به دل‌های حق‌جو هدیه نموده تا همچنان به عنوان باقرالعلوم آل محمد بر تارک قرون و اعصار هرچه شکوهمندتر بدرخشد.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۷- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۵.
- ۸- الغدیر، ج ۱، ص ۱۹۷.
- ۹- اصول کافی، باب مؤلف ابی جعفر علیه السلام، ج ۱، ص ۳۹۰.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- مؤمنون/ ۱۴.
- ۱۲- ینابیع المودة، ج ۳، باب ۷۶- فی بیان الأئمة الاثنا عشر- ص ۲۸۴.
- ۱۳- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۳۳۵.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- نساء/ ۱۱۴.
- ۱۶- همان/ ۵.
- ۱۷- مائده/ ۱۰۱.
- ۱۸- اختیار معرفة الرجال (کشی)، صص ۱۶۳ و ۱۶۷.
- ۱۹- سفینة البحار، حرف حاء.
- ۲۰- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۵۹؛ مناقب، ج ۳، ص ۳۱۷.
- ۲۱- الضاعف المحرقه، ص ۲۰۱.
- ۲۲- حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۱۸۶؛ ارشاد مفید، ص ۲۸۰. به نقل از بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۶ و تذکرة الخواص، ص ۳۳۷ و البدایة و النهایة «ابن کثیر»، ج ۹، ص ۳۱۱. به نقل از سیره‌ی پیشوایان، ص ۳۰۸.
- ۲۳- البیان و التبین، ج ۱، ص ۸۴. نقل از بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۹.
- ۲۴- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۳۵۷.
- ۲۵- همان، ص ۲۵۸.
- ۲۶- تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۲۴.